

حال خوب مدرسه

◀ الهام اعتمادی‌فر، مدیر دبستان دخترانه دوره اول، ناحیه ۲

«لَا عَقْلَ كَالْتَدْبِيرِ»

هیچ خردی هم‌چون تدبیرمندی نیست.

نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳

در این خصوص پاسخ به پرسش‌های زیر می‌تواند راه‌گشا باشد.
• چرایی «طرح تدبیر» یعنی فلسفه‌ی وجودی این برنامه و ضرورت آن چیست؟ مدیر و سایر عوامل تدوین برنامه به چه چیزهایی می‌خواهند برسند؟ به عبارتی کاربرد برنامه‌ی سالانه در مدرسه چه خواهد بود؟

• مؤلفه‌های چپستی «طرح تدبیر» که بیان‌گر تمامی تصمیمات، فعالیت‌ها و برنامه‌های گویای مدرسه است، کدام هستند؟

• چه‌گونه‌گی تدوین برنامه، مسیرهایی که باید طی شود و روش‌هایی که باید به کار گرفته شوند، چه هستند؟

گام بعدی، هدایت مجموعه انسانی به سوی اندیشه و اندیشه‌ورزی است.

مدیر به‌عنوان راهبر آموزش و پرورش پس از دریافت فهرست انتظارات و فعالیت‌ها، با تشکیل جلسات مشارکتی، تلاش می‌کند تا حداکثر استفاده را از ظرفیت شورای معلمان، شورای دانش‌آموزی و انجمن اولیا و مربیان ببرد. با چنین مشارکت همه جانبه‌ای، نگرش بخشی به حداقل رسیده و حرکت تمام اعضا به صورت هم‌آهنگ و در مسیر تحول خواهد بود.

برنامه‌ریزی باید مبتنی بر ساحت‌های شش‌گانه‌ی تعلیم و تربیت بوده و اهداف دوره‌ی تحصیلی را ملاک قرار دهد. در این مرحله لازم است تا هم‌کاران و به‌خصوص معلمان که کارگزاران اصلی و از عوامل مهم کیفیت‌بخش در فرآیند یاددهی-یادگیری هستند، با ساحت‌های شش‌گانه‌ی تعلیم و تربیت و اهداف دوره‌ی تحصیلی آشنا باشند، هم‌چنین لازم است تا تعلیم و تربیت تمام ساحتی

تدبیر در لغت به معنای دوراندیشی است، یعنی پایان کار را نگریستن. تدبیر همان مایه‌ی قوام زندگی و اکسیر زندگی‌بخش امور است که به صورت سنجش دقیق، به فعل در می‌آید.

در همین راستا هم‌مدرسه‌ای به‌عنوان نخستین سازمان تربیتی، می‌بایست که هم خود بر پایه‌ی تدبیر شکل گیرد و هم از این قوه‌ی قوام‌بخش، در جهت تربیت فرزندان بشر بهره‌ها ببرد.

هر مدرسه با یک نقشه‌ی راه، با عنوان «برنامه سالانه» یا «طرح تدبیر» گام اول را برای رسیدن به این مهم بر می‌دارد، برنامه‌ای که بیان‌گر تفکر تربیتی و نشان‌دهنده‌ی سیاست‌ها و اولویت‌های هر مدرسه‌ای است. در صورتی که برنامه، دقیق باشد و بتواند فهرست انتظارات مدرسه را با در نظر گرفتن شرایط موجود، در خود بگنجانند و هم‌چنین مفاد اصلی «سند تحول بنیادین» را مبنا قرار دهد، امید آن می‌رود که برنامه، اثربخش بوده و تدبیرمندی صورت گرفته باشد.

تحقق این مأموریت مستلزم شناسایی نقشه‌ی راه و چه‌گونه‌گی پیمودن مسیر است.

در این راه، دانستن «چپستی»، «چرایی» و «چه‌گونه‌گی» این برنامه می‌تواند هم‌چون چراغی، مسیر را روشنایی بخشیده و ما را با جنبه‌های بنیادین این برنامه آشنا کند.



بر بنیان و نظام فکری مدرسه استوار باشد تا مدرسه هم‌چون نظامی پویا، هم راستا و منطبق با سیاست‌های آموزش و پرورش و «سند تحول بنیادین»، به رشد و شکوفایی خود ادامه دهد.

به این ترتیب ابتدا تدبیر بر پایه‌های نظام مدرسه سایه می‌اندازد و سپس یاری‌رسان فرزندان‌مان در زندگی خواهد بود، به گونه‌ای که دانش‌آموزان می‌توانند در مقابل انبوه انتخاب‌ها، بهترین‌ها را برگزینند و در قاموس ارائه، بهترین عملکرد را از خود نشان دهند و سرانجام سرمایه‌ی انسانی (فکر، انگیزه و احساس) به سرمایه اجتماعی تبدیل خواهد شد.

اگر مدرسه‌ای تحت تأثیر نگرش تعلیم و تربیت تمام ساحتی قرارگیرد، یعنی به‌طور کامل، ساحت‌های ششگانه‌ی وجود انسان را برای تربیت و تعالی مورد توجه قرار بدهد و بر این اساس، اندیشه‌ها، فعالیت‌ها و برنامه‌های خود را بازنگری کند، این مدرسه یک سازمان یادگیرنده خواهد بود که توانایی ایجاد، کسب و انتقال دانش را دارد و به‌طور پیوسته می‌تواند عملکرد خود را بهبود بخشد.

این عملکرد خود نیز آثار مطلوبی را در فضای مدرسه ایجاد خواهد کرد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

• اخلاق، روابط انسانی و مهرورزی به‌گونه‌ای در آموزش‌ها دخیل می‌شود که هویت دانش‌آموزان به رسمیت شناخته شده، تفاوت‌های فردی در نظر گرفته می‌شود و به این ترتیب آرامش در وجود دانش‌آموزان به بار نشسته و بستر کارگروهی و هم‌کاری برای آنان فراهم خواهد شد.

• فضای تربیتی مدرسه متعادل شده و این فضا با شرایط رشدی و نیازهای دانش‌آموزان متناسب خواهد بود. تربیت به‌گونه‌ای نخواهد بود که به بخشی از جنبه‌های آن توجه شده و سایر جنبه‌ها مورد غفلت قرار گیرد بلکه به تمام ابعاد وجودی دانش‌آموزان توجه خواهد شد و روح در برنامه‌ی سالانه‌ای که مبتنی بر تربیت تمام ساحتی است، دمیده می‌شود.

• با وجود این که مأموریت اصلی مدرسه، تحقق برنامه‌های درسی بوده و تمام هدف‌گذاری‌ها متمرکز بر برنامه‌ی آموزشی است، اما پیوند این فعالیت‌ها از طریق برنامه‌های تربیتی و با هدف حرکت از حافظه‌محوری به مهارت‌پروری صورت گرفته و شوق یادگیری در دانش‌آموزان دوچندان خواهد شد.

• رقابت‌های فردی جای خود را به رفاقت‌های گروهی می‌دهند. کسب شایسته‌گی‌ها در تمام ساحت‌های تعلیم و تربیت اتفاق می‌افتد. این کسب به معنای انتقال نخواهد بود بلکه دانش‌آموز بر اساس آن چه که خود می‌خواهد و انگیزه دارد، شایسته‌گی‌ها را دریافت خواهد کرد.

• اعتماد به نفس دانش‌آموزان رشد کرده، اراده‌ی آن‌ها تقویت شده، قدرت نه گفتن در آن‌ها بالا رفته و سلامت روحی و روانی آن‌ها تأمین می‌شود. به این ترتیب مدرسه، محل تحقق امر تربیت خواهد شد.

• مدرسه، کانون تربیتی محله شده و تأثیر فرهنگی و تربیتی آن به هر شعاعی از محل خواهد رسید، به طوری که کارکرد مدرسه به سمت کارکردی فرهنگی و اجتماعی حرکت کند.

• در چنین مدرسه‌ای زمینه‌ی تربیت‌شدن فراهم شده و امر تربیت کردن ملاک نیست. متربی یک موجود ارزشمند است و مربیان، حافظ کرامت انسانی آن‌ها هستند.

در پایان لازم به ذکر است که چنین فعالیت‌هایی برای رسیدن به چنین هدفی، به صورت مستند انجام خواهد شد تا نشان دهد که هر فعالیت در راستای چه ساحت‌های تربیتی انجام گرفته است. اولیا نیز پیشاپیش با چنین رویکردی، آشنا، هم‌آهنگ و هم‌سو هستند.

امید است تا با هم‌کاری جمعی بتوانیم گام‌های استواری در اجرایی کردن «سند تحول بنیادین» برداشته و این وظیفه‌ی خطیر را هم‌چون امانتی گران‌قدر و به سلامت به مقصد تعالی برسانیم. ■

